

## توافق خوب یا بد؟

برخی از همکاران و دانشجویان ابراز نگرانی می‌کنند که توافق هسته‌ای اخیر ممکن است بد باشد. به نظرم رسید که مطالبی را در این زمینه بصورت یادداشت بیان کنم.

اولاً فناوری که بر اساس یک دانش فنی بومی و با تکیه بر مغزهای متفکر دانشمندان و مهندسان ایرانی بوجود آمده و تکامل یافته، قطعاً هیچگاه و با هیچ ابزاری از بین نمی‌رود. پس باید اعتماد بنفس داشت.

دوماً در کشوری که تحت زعامت یک رهبر فرزانه است امورات، نمی‌تواند آنقدر پرت و دور از مصالح ملی باشند که نگرانی جدی ایجاد کنند. بنابراین نباید چندان کاسه داغ‌تر از آش بود و باید بجای شیون و فغان، سعه صدر بیشتری به خرج داد.

سوماً بحمدالله این کشور آنقدر وسعت دارد که بتوان برای روزهای مبادا تمهیداتی را اندیشید!

چهارماً اگر طرف مقابل بدعهدی کرد می‌توان فوراً بر اساس دانشی که بومی شده و در کشور رسوب کرده به جایگاه قبلی بازگشت بلکه به دستاوردهای بالاتری هم رسید. البته همه اینها به شرطی است که تحقیق و توسعه به معنای واقعی خود ادامه داشته باشد هرچند که آنقدر ایران دارای نوابغ زیاد و وسعت زیاد است که عملاً نمی‌توان ذهن‌ها را در داخل هیچ فریزر عهدنامه‌ای، منجمد و نگهداری کرد. چه اینکه این یک تصور ابلهانه است که آنها خودشان هم می‌دانند که عملی نیست.

پنجماً سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تحریم‌های طول تاریخ کره زمین با میلیاردها دلار هزینه بر علیه ایران اعمال شده است. همه این اقدامات با آن خبرهای تهییج کننده همراه بوده است که "ما در ایران فعالیت‌های غنی‌سازی را کشف کرده‌ایم". حالا تصور کنید وقتی ایران به عنوان یکی از اعضاء باشگاه هسته‌ای دنیا پذیرفته شود که از حق غنی‌سازی برخوردار بوده و دارای دانش هسته‌ای بومی (و نه عاریتی) نیز هست و چندین سال از این حالت بگذرد. فرض کنید توافق بعد از چند سال (مثلاً ۱۰ سال) به هر دلیلی به هم بخورد. آیا می‌توانید تصور کنید که آنها باز هم بتوانند افکار عمومی دنیا را اینگونه تهییج کنند. هرگز! چراکه ظرف سالهای آتی، خواه ناخواه، دنیا دیگر به مرور، ایران را به عنوان یک کشور هسته‌ای به رسمیت شناخته و با دادن خبرهای آنچنانی، دیگر نمی‌توان دنیا را برای تحریم مجدد ایران بسیج کرد. یعنی عملاً این چاقوی تحریم به مرور زمان کند شده و زنگ می‌زند و دیگر هرگز کارایی قبل را نخواهد داشت (شبیه همان اتفاقی که برای هند و پاکستان افتاد با این تفاوت مهم که آنها واقعا سلاح هسته‌ای هم دارند). پس باید بدانیم که گذشت زمان به نفع ماست نه ضرر ما.

شما) کسب همین حد از دانش و فناوری هسته‌ای، خطر حمله نظامی به ایران را برای همیشه از بین برده است چراکه آنها همیشه احتمال داده و می‌دهند که ایران برخی از فعالیتهای ادعا شده را در جای دیگر ادامه داده یا می‌دهد. لذا در صورت احساس خطر جدی، ایران فعالیتهای مخفی خود را هم عمق و هم وسعت بیشتری ببخشد (همان حرفی که اوپاما در کنگره آمریکا زد). هرچند تمام این حرفها اشتباه و صرفا یک تصور باطل باشد ولی دشمنان ایران را همواره با این ترس مواجه کرده و می‌کند که در صورت مواجهه نظامی با ایران، مورد حمله اتمی قرار خواهند گرفت. همین تصور آنها برای ما بهترین عامل بازدارندگی است نه خود بمب اتمی. کارشناسی می‌گفت: "که اصلا بعید نیست که برخی اطلاعات رسیده به دست آژانس (مبنی بر فعالیتهای نظامی ایران) را خود ایران بصورت تصنعی تهیه و به نحوی بروز داده (یا لو داده) تا با بزرگنمایی آن توسط آژانس و خود آمریکا، ترس در دل دشمنان ایران ایجاد شود و این خود یک دستاورد بزرگ برای ایران و یک عامل بازدارنده مهم در برابر حمله نظامی به ایران است. یعنی ما احتمالا در تمام این سالها دقیقا در زمینی بازی کردیم که ایران عمدا آنها تهیه و تدارک دیده بود". حالا این تحلیل‌ها درست باشد یا غلط، مهم نیست مهم این است که ایران تا همین جای کار، توانسته ترس موثری را در دل دشمنان خود بیاندازد و خطر حمله نظامی به خود را برای همیشه دفع کند و ماهی خود را از این گرداب، صید کند.

هفتما) خیلی دلچسب و لذتبخش است وقتی که می‌بینی ۶ کشور ابرقدرت دنیا ۱۲ سال است که در یک چالش سنگین با ایران، از ایران می‌خواهند که کارهایی را بکند و ایران هم اعتنایی نمی‌کند. آن هم در مقابل کشورهایی که قبلا با یک تماس تلفنی مستقیم با شاه و نخست وزیر ایران، خواسته‌های خود را دیکته می‌کردند. مطالعه خاطرات وزرا و نخست وزیران شاه پر است از چنین وقایع دردناکی که باعث خجالت و شرمندگی است ولی امروز... کجاست میرزا تقی خان فراهانی، آن امیرکبیر بزرگ ایران که امروز را ببیند و به ایرانی بودن خود ببالد، آن بزرگ مردی که همیشه از غرور و تکبر بی‌انتهای فرستادگان روس و انگلیس در عذاب بود.

پس اکنون که کشور در یک برهه حساس قرار گرفته باید به مسئولان کشور، بیشتر اعتماد کرد و اندکی بیشتر صبور بود. قطعاً آینده به نفع ما خواهد بود، فقط و فقط به شرطی که این کشور بتواند اتحاد و همدلی فعلی خود را حفظ کند. البته در این بین باید حواسمان باشد که اگر امروز آنها به ۵۰۰۰ سانتریفیوژ رضایت دادند بخاطر همان جرات و جسارتهای شیخ محمود بود وگرنه آنها به همان ۳ سانتریفیوژ!! هم رضایت نمی‌دادند. شیخ محمود آنها را به مرگ گرفت تا به تب راضی شدند. پس بهتر است پس از شعارهای انتخاباتی کمی هم به واقعیات بپردازیم و گذشتگان را لجن مال نکنیم. آنچه امروز بدست آمده نتیجه همت و ممارست ۱۵-۲۰ ساله دانشمندان و مهندسان این کشور است که گوارای وجود مردم کشورمان باد.